



آموزش تاریخ در سايه سياست

از تأليف تا تدريس كتاب‌هاي درسي تاريخ در ايران

به كوشش رحيم روح‌بخش و فریده حشمتی



بہارِ حرمِ افروز

آموزش تاریخ در سایه سیاست

از تألیف تا تدریس کتاب‌های درسی تاریخ در ایران

مجموعه مقالات پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس

دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲۶ دی ماه ۱۳۹۷

به کوشش:

رحیم روح‌بخش، فریده حشمتی

برگزارکنندگان همایش:

انجمن ایرانی تاریخ و دانشگاه سیستان و بلوچستان (گروه تاریخ)

حامیان همایش:

اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، دانشگاه ولایت،
دانشگاه زابل، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور، اداره اسناد و کتابخانه ملی،
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، غیرانتفاعی فرهیختگان دانش

دبیر علمی همایش: دکتر مسعود مرادی

دبیر اجرایی همایش: دکتر علی نادریان فر



انشارات کتابستان آئینه

تهران ۱۴۰۰

سرشناسه: همایش آموزش تاریخ در مدارس (پنجمین : ۱۳۹۷ : زاهدان)
عنوان و نام پدیدآور: آموزش تاریخ در سایه سیاست از تالیف تا تدریس کتاب‌های درسی تاریخ در ایران : مجموعه مقالات پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس دانشگاه سیستان و بلوچستان ، ۲۶ دی ماه ۱۳۹۷ / به کوشش رحیم روح‌بخش ، فریده حشمتی ؛ دبیر علمی همایش مسعود مرادی ؛ دبیر اجرایی همایش علی نادریان‌فر ؛ برگزارکنندگان همایش انجمن ایرانی تاریخ و دانشگاه سیستان و بلوچستان (گروه تاریخ) ؛ حامیان همایش اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان [و دیگران] . مشخصات نشر: تهران: نگارستان اندیشه ، ۱۴۰۰ . مشخصات ظاهری: ۴۴۸ ص. : مصور(رنگی) ، جدول ، نمودار .

شابک: ۵-۸۶-۶۶۰۷-۶۲۲-۹۷۸ . وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا. یادداشت: کتابنامه .
عنوان دیگر: مجموعه مقالات پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس ، دانشگاه سیستان و بلوچستان ، ۲۶ دی ماه ۱۳۹۷ . موضوع: تاریخ -- راهنمای آموزشی (متوسطه) -- کنگره‌ها .
تاریخ -- راهنمای آموزشی (متوسطه) -- کنگره‌ها . تدریس اثربخش -- ایران -- کنگره‌ها
History -- Study and teaching (Secondary) -- Congresses . Effective teaching -- Iran -- Congresses .
شناسه افزوده: روح‌بخش ، رحیم ، ۱۳۴۵- ، گردآورنده . حشمتی ، فریده ، ۱۳۴۷- ، گردآورنده .
انجمن ایرانی تاریخ . دانشگاه سیستان و بلوچستان . دانشکده ادبیات و علوم انسانی . گروه تاریخ .
ایران . وزارت آموزش و پرورش . اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان .
رده دیوئی: ۹۰۷ . رده‌بندی کنگره D۲/۱۶ شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۶۱۱۵۸

آموزش تاریخ در سایه سیاست

از تالیف تا تدریس کتاب‌های درسی تاریخ در ایران

به کوشش: رحیم روح‌بخش ، فریده حشمتی -

ناشر: نگارستان اندیشه

ویراستاران: فریده حشمتی ، کیمیا حشمتی

نمونه خوان: مهرداد فردیار

طراح جلد: سعید صحابی

صفحه‌آرایی: سفیراردهال

نوبت چاپ: نخست ، ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: صادق

نشانی ناشر: م. انقلاب ، ابتدای خ آزادی ، خ بهزاد ، شماره ۲۹ واحد ۷

تلفکس: ۶۶۴۳۵۴۲۳ - ۶۶۹۷۸۸۸۱

www.cins.ir - info@cins.ir

شورای برنامه‌ریزی و کمیته‌های علمی و اجرایی

پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس

شورای برنامه‌ریزی همایش در تهران (کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ)

- دبیر کارگروه: فریده حشمتی

- آهنگری، فاطمه

- اروجلو، فاطمه

- روح‌بخش، رحیم

- شعبان‌زاده، بهمن

- صالحی‌نیا، پروانه

- فاضلی‌پور، طوبی

- میرآخورلو، نسرین

کمیته علمی

- دکتر عبدالرسول خیراندیش، استاد دانشگاه شیراز

- دکتر ابوالقاسم فروزانی، استاد دانشگاه شیراز

- دکتر شهرام یوسفی‌فر، استاد گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی

- دکتر فاطمه جان احمدی، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر علیمحمد ولوی، استاد دانشگاه الزهرا

- دکتر نیره دلیر، استاد گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی

- دکتر علی ناظمیان‌فر، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

- دکتر مسعود مرادی، دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

- دکتر مهدی صلاح، دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

- دکتر عظیم شه‌بخش، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

- دکتر کوروش صالحی، دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر مریم شیپری، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر فاطمه رستمی، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر علیرضا سلیمانزاده، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر جواد چوپانیان، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر محسن مرسلپور، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر محمد پیری، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر احمد عقیلی، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر علی نادریان‌فر، سرگروه درس تاریخ استان، مدرس دانشگاه فرهنگیان
- دکتر عباس اویسی، استادیار دانشگاه پیام نور
- دکتر منصور نیک پناه، استادیار و مدیر امور پردیس‌ها، دانشگاه فرهنگیان سیستان و بلوچستان

- دکتر علیرضا سعیدی مهر، معاون پژوهشی آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان
- قاسم سیاسر، رئیس اداره اسناد و کتابخانه ملی استان سیستان و بلوچستان
- دکتر عبدالودود سپاهی، استادیار دانشگاه ولایت ایرانشهر
- دکتر عبدالله صفرزایی، استادیار دانشگاه ولایت ایرانشهر
- دکتر نصرت خاتون علوی، استادیار دانشگاه ولایت ایرانشهر
- دکتر سنجولی استادیار، دانشگاه زابل
- دکتر طوبی فاضلی‌پور، عضو هیئت مدیره انجمن ایرانی تاریخ

کمیته اجرایی

- دکتر علی نادریان‌فر، دبیر اجرایی، سرگروه درس تاریخ استان سیستان و بلوچستان، مدرس دانشگاه فرهنگیان
- قاسم سیاسر، رئیس اداره اسناد و کتابخانه ملی استان سیستان و بلوچستان، پژوهشگر

- دکتر علیرضا سعیدی مهر، معاون پژوهشی آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان
- دکتر عباس سرگزی، مدیر دبیرستان شاهد زاهدان، مدرس دانشگاه فرهنگیان
- دکتر سارا سرحدی، دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۲ زاهدان، عضو گروه تاریخ سیستان و بلوچستان
- فرزانه تازرونی، دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۱ زاهدان، عضو گروه تاریخ سیستان و بلوچستان
- ابراهیم پهلوان، رئیس اداره تکنولوژی و گروه‌های آموزشی اداره کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان
- محمدرضا نکودری، مدرس دانشگاه فرهنگیان
- مرتضی لشکری، هنرآموز هنرستان و مدرس دانشکده شهید باهنر
- مریم عابدی، کارشناس ارشد تاریخ عمومی جهان
- یاسر جوانی، کارشناس ارشد تاریخ عمومی جهان
- اسماعیل دهانی، کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی
- اسما قوم دوست نوری، کارشناس ارشد تاریخ اسلام
- زینب عیدوزایی، کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی
- ثریا ریگی، کارشناس ارشد تاریخ اسلام، کارشناس پژوهشکده علوم باستان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- اسماء شه بخش، کارشناس تاریخ
- رضا ایزدی همت آبادی، کارشناس تاریخ
- اسماء ملازمی، کارشناس پژوهش استانی دانشگاه فرهنگیان سیستان و بلوچستان
- مهدی اربابی مقدم، کارشناس ارشد تاریخ، مدرس دانشگاه فرهنگیان
- رحیم روح‌بخش، کارشناس مسئول اسناد شورای عالی آموزش و پرورش

فهرست مطالب

مقدمه انجمن ایرانی تاریخ..... ۱۱

مقدمه دبیران همایش..... ۱۳

متن سخنرانی دکتر عبدالرسول خیراندیش، استاد دانشگاه شیراز در مراسم افتتاحیه همایش..... ۲۱

مقالات کتاب‌های درسی تاریخ

۱. تاریخ اسلام برای دانش‌آموزان؛ به روایت عباس اقبال آشتیانی / شهاب‌الدین سمنان..... ۲۷

۲. تغییرات بازنمایی کارنامه سیاسی مصدق در کتاب‌های درسی تاریخ دهه ۱۳۵۰ / حامد سلطان‌زاده..... ۵۱

۳. بررسی دروس تاریخ در کتاب‌های مقطع ابتدایی / مسعود دادبخش..... ۷۷

۴. بازتاب تاریخ ایران باستان در مطالعات اجتماعی چهارم دبستان / شورش عزیزی..... ۱۰۵

۵. بررسی نقش و جایگاه زن و نگاه به او در کتاب‌های درسی تاریخ مدارس مقطع متوسطه دوم جمهوری اسلامی ایران / نورالله پهلوان، صغری نریمانی..... ۱۲۵

۶. مسئله زنان در تاریخ (۱) ایران باستان / حمید خرمی..... ۱۴۳

۷. ضرورت توجه به نقش مطبوعات دوران مشروطه اول در کتاب درسی تاریخ معاصر / نسرين ميرآخوړلو..... ۱۶۹

مقالات نقش معلمان و روش‌های آموزش تاریخ

۸. توانمندی‌های معلمان در آموزش تاریخ / امیر آریایی‌نژاد..... ۲۰۷

۹. نقش معلم در انتخاب بهترین روش تدریس درس تاریخ / فروزان ادیب‌فر..... ۲۳۱

۱۰. یادگیری درس تاریخ براساس شیوه پرسش و استدلال بر مبنای نظریه ساخت‌گرایی / مریم بیژنی..... ۲۵۵

۱۱. آموزش تاریخ به صورت طرح مسئله / پروانه گودرزی، رضوان نعمتی..... ۲۷۳

۱۲. استفاده از رسانه و وسایل آموزشی به عنوان یک ضرورت در امر آموزش تاریخ / حمید اشرفی..... ۳۱۳

۱۳. نقش فیلم، مستندهای تاریخی و برگزاری اردوهای تاریخی در آموزش تاریخ و علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان..... ۳۲۹

نسبت به درس تاریخ / نادر راز، هاشم ملک‌شاهی..... ۳۲۹

۱۴. تأثیر رویکرد همگرایانه جمعی در آموزش تاریخ در مدارس / کورش صالحی، لیلا عزیزیان..... ۳۴۹

۱۵. جستاری در گونه‌های تأثیرگذار ادبیات کودک و نوجوان بر آموزش تاریخ / الهه محبوب..... ۳۶۹
۱۶. ضرورت تدریس تاریخ با روش‌های پژوهشی تاریخ شفاهی / مسیح جواهردهی..... ۳۸۷
۱۷. بررسی مؤلفه‌های گسترش مهارت تاریخ‌پژوهی محلی در مدارس از دیدگاه معلمان تاریخ استان مازندران / رضا عبادی جامخانه، رحیم حیدری گرجی، حبیب‌الله بالویی جامخانه، یوسف علی‌نژاد..... ۴۱۱
۱۸. بررسی نقش گروه‌های آموزشی در نظام آموزشی کشور / رزا معماری..... ۴۳۵

مقدمه انجمن ایرانی تاریخ

از جمله مقوله‌های بسیار مهم جوامع بشری که همواره در حیات درازنای انسان، عجین با فکر و اندیشه و عمل بزرگان اعم از پیامبران، اندیشمندان، سیاستمداران، حکمرانان و سایر اقشار مختلف مردم بوده، مقوله تاریخ و پدیده‌های تاریخی است. هرچند در گذشته‌های خیلی دور جنبه نظری و تئوری تاریخ به مفهوم امروزی مد نظر نبوده؛ اما بدون تردید جنبه علمی و کاربردی آن همواره مورد توجه جدی اهل نظر و عمل بوده و در شرایط و موقعیت‌های مختلف نیز مورد استفاده یا سوء استفاده قرار می‌گرفته است.

آنچه که خوشبختانه در طی قرون اخیر، در حوزه مقولات تاریخ اتفاق افتاد گشوده شدن افق‌های تازه و رویکردهای جدید و مهم‌تر بود که ابتدا، در غرب (بعد از رنسانس) و سپس در مناطق دیگر به‌ویژه در ایران معاصر، مطرح گردید. مقوله «آموزش تاریخ» به مفهوم کلی و نیز ضرورت‌های آموزش تاریخ، کم و کیف آن، متدهای لازم، ویژگی‌های تعلیم‌دهندگان تاریخ و امثالهم از آن جمله به حساب می‌آیند.

در نظام آموزشی نوین ایران، تاریخ از اولین واحدهای درسی دانش‌آموزان بود، که در آغاز با داستان‌های اساطیری و آموزه‌های شاهنامه همراه شده و به تدریج با ترجمه‌های آثار مورخان اروپایی، تاریخ ایران از افسانه‌ها فاصله گرفت و به آموزه‌هایی از تاریخ ملی و جهانی روی آورد. در دوره قاجار و به هنگام تدریس تاریخ اروپا و انقلاب‌های آن در مدرسه دارالفنون، به دستور دربار قاجار تدریس آن درس ممنوع شد و به دانش‌آموزان آن مدرسه نیز توصیه شد که تاریخ نخوانند و در واقع این آغاز هشدار برای تدریس تاریخ در مدارس دولتی بود.

واقعیت این است که از زمان تأسیس مدارس جدید در ایران، تنها قرائت حکومتی از تاریخ ارائه شد و بدین ترتیب دانش تاریخی در دست دولت‌های حاکم به بازگو کننده رخدادهای صرفاً سیاسی با محوریت پادشاهان و با رویکرد ایدئولوژیک تدریس

می‌شد. با گذشت زمان و پدید آمدن مورخان مستقل، رویکردهای دیگری از تاریخ در نظام آموزشی پدیدار گشت. با ظهور و بروز نهضت مشروطه، روزنه‌ای امیدوارانه در اذهان مردم در مبحث آموزش تاریخ ایجاد شد و این مقوله به جد مورد توجه مورخان و اندیشمندان قرار گرفت؛ اما پس از چندی از مشروطه نگذشته بود، که همچنان رویکردهای حکومتی با صبغه‌ای ایدئولوژیکی از نوع باستانگرایی، ناسیونالیستی، مذهبی و ... این مقوله را تحت الشعاع قرار داده و در سیطره خود گرفت و تا به امروز نیز ادامه دارد.

همایش حاضر درصدد است تا روند این تحولات در اندیشه تاریخ‌باوری و تاریخ‌پژوهی را بررسی کرده و به اصلاح برداشت‌ها و باورهای تاریخی کمک کند. اصلاح روش‌های آموزشی و تهیه متون درسی مناسب و وجود معلم درد آشنای تاریخ می‌تواند به جذابیت درس تاریخ در مدارس و رشته تاریخ در دانشگاه منجر شود. در این راستا سلسله همایش‌های «آموزش تاریخ» به بررسی نقادانه محتوای دروس تاریخ، جایگاه آموزشی معلم تاریخ و تاریخ آموزش و پرورش معاصر پرداخته است. دست اندرکاران این همایش‌ها به ایده‌کلیدی «یان میک»، محقق برجسته حوزه «پژوهش و نگارش کتاب درسی» با عنوان «کتاب‌های درسی، آینده یک ملت»، اعتقاد دارند که «کتاب درسی بد، برای تمام اعضای یک ملت می‌تواند فاجعه‌بار شوند».

دکتر ذکراالله محمدی

رئیس هیئت مدیره انجمن ایرانی تاریخ

آذر ۱۳۹۹

مقدمه دبیران همایش

طی قرن ۱۹ میلادی، هم‌زمان با تحولات سریع در تجارت، صنعت و وسایل ارتباطی اروپا و نفوذ استعماری دولت‌های بزرگ اروپایی در مشرق زمین، ایران نیز دستخوش تحولات اجتماعی وسیع گردید. از جمله این تغییرات، تغییر در نظام آموزش و پرورش بود که تا آن زمان، دولت‌ها در آن دخالت چندانی نداشتند. ایران عصر قاجار، با جهانی مواجه بود که از فضای اجتماعی و سیاسی او فاصله زیادی داشت. روشنفکران این عصر، به ضرورت تغییر در جامعه خویش پی برده بودند. تبادل هیئت‌های سیاسی، اعزام محصل به خارج از کشور، ورود هیئت‌های مذهبی و تأسیس مدارس میسیونری، انتشار روزنامه و ترجمه کتاب، لزوم اصلاح و تغییر فضای آموزشی و فرهنگی جامعه ایران را غیرقابل اجتناب کرده بود. دولت مردان ایران، تحت‌تأثیر روند تحولات علمی در غرب، درصدد کسب علوم جدید برآمدند. آنها در ابتدا دانشجویانی را به قاره اروپا اعزام کرده و با تأسیس مدرسه دارالفنون، اقداماتی اساسی را در این زمینه انجام دادند. تلاش‌های بعدی برای ایجاد مدارس نوین در کشور، توسط میرزا حسن رشدیه انجام گرفت، که برخلاف دارالفنون بر آموزش و سوادآموزی به کودکان تأکید داشت. هم‌زمان تأسیس ده‌ها مدرسه ملی توسط رجال معارف‌پرور در قبل و بعد از مشروطه، نهضت مدرسه‌سازی در کشور را دامن زد. این رویکرد با مصوبات چندگانه مجالس نخست شورای ملی جهت تأسیس وزارت معارف، تصویب قانون اساسی معارف، تشکیل شورای عالی معارف و ... به‌رغم برخی محدودیت‌ها به گسترش مدارس در اقصی نقاط کشور منجر شد.

با توسعه مدارس، تولید محتوا برای دروس آموزشی مورد توجه قرار گرفت. این اقدام در خصوص کتاب‌های علوم انسانی مدارس اهمیتی مضاعف داشت؛ زیرا معمولاً کتاب‌های درسی به‌طور عام و کتب علوم انسانی به‌طور خاص بازنمایی جهت‌گیری ایدئولوژیک نظام سیاسی را نشان می‌دهد. هرچند در خلال نهضت مدرسه‌سازی به

خصوص یکی دو دهه بعد از انقلاب مشروطه، سایه این رویکرد کم رنگ بود؛ اما با تأسیس شورای عالی معارف از سال ۱۳۰۱، که یکی از مأموریت‌های آن تدوین و تصویب برنامه درسی بود، این سیطره پررنگ شد. کما اینکه در دهها مصوبه این شورا با عناوین مختلف نظیر پروگرام، دستور تحصیلات، برنامه تحصیلات، نظامنامه، اساسنامه، آئین نامه و ... جهت مدارس و دروس مختلف اعم از دانشسراها، مقاطع ابتدائی و متوسطه، مدارس عالی و غیره سیطره ایدئولوژی حاکم بر نظام آموزشی تحکیم یافت.

امروزه مجموعه این تکالیف دولت در بخش آموزش را در قالب «برنامه درسی ملی» تعریف کرده‌اند. در واقع برنامه درسی ملی، حلقه واسطه سیاست‌گذاری کلان هر کشور با مأموریت نظام آموزشی آن است؛ از این روی برنامه درسی ملی، جهت‌گیری محتوای آموزشی هر کشور را نشان می‌دهد. به تعبیر دیگر، برنامه درسی ملی به مجموعه‌ای هماهنگ از اهداف، مأموریت‌ها، وظائف، سرفصل‌ها، محتوای دروس و روش‌های تدریس و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی اطلاق می‌شود. براین اساس، تدوین برنامه درسی ملی در سطح کلی و تبیین اهداف دوره‌ها و همچنین برنامه درسی خاص برای مقاطع، رشته‌های آموزشی و کتاب‌های درسی مختلف تحصیلی کشور بیانگر تمایلات سیاسی هر کشور است. بیراه نخواهد بود که ادعا شود، در میان دروس حوزه علوم انسانی، برنامه درسی تاریخ، چراغ راهنمای جهت‌گیری ایدئولوژیک و گرایش فکری نظام حاکم را نشان می‌دهد.

در جریان تصویب یکی از مصوبات شورای عالی معارف با عنوان «دستور تفصیلی دارالمعلمین آکابر شبانه» بیاناتی درخور توجه از ذکاء الملک فروغی، عضو دانشمندان شورا، درباره روش و فلسفه آموزش تاریخ آمده است، که می‌تواند تلطیفی از این رویکرد در درس و معلم تاریخ به عنوان آویزه گوش سیاست‌گذاران این عرصه باشد. «در تدریس تاریخ، معلم باید رعایت بی‌طرفی را کاملاً نسبت به خودی و بیگانه بنماید

و فقط حقایق را بیان کرده و احساسات شخصی را در ذکر حوادث مداخله ندهد. برای قضاوت افکار و احساسات مردم هر عصر باید وقایع اشخاص را از روزنه چشم مردم همان عصر ببیند. در موقع تدریس باید از شرح و بسط زیاد احتراز کرده و فقط به ذکر وقایع اکتفا نمود. در ضمن بیان واقعات تاریخی باید مدلل داشت چه پیش آمدها، باعث ترقی و تعالی یک مملکت و یک قومی گردیده و چه معایبی موجب انحطاط و تنزل شده است؟ به تاریخ تمدن توجه خاص باید داشت و جنگ‌ها را باید به طور مختصر بیان کرد. در ضمن درس، نقشه‌های تاریخی به کار برد. حتی المقدور آثار ملی را ارائه داد. اهمیت تصاویر و نقوشات را در تدریس تاریخ بیان کرده و مدلل دارند که در مدارس ابتدایی مخصوصاً تدریس تاریخ با تصاویر بیشتر مورد دقت و فهم محصلین واقع می‌شود. در هر موقع که اقتضا کند، معلم باید اصول اخلاقی را از درس تاریخ استخراج کرده و به محصلین بفهماند که تاریخ بی‌غرض‌ترین و دائمی‌ترین قاضی اعمال بشر است و به واسطه تغییر اوضاع حکومت‌ها و انقلابات تدریجی عالم است، که نوع بشر خود را از زیر فشار ظلم و ستم رقیّت خلاص نموده به طرف آزادی و مساوات و اصلاح امور اقتصادی سیر کرده و راه تکامل می‌پیماید. (جلسه ۲۶۰ شورای عالی معارف، مورخ ۱۳۱۲/۱۱/۱۸)

فروغی به عنوان یکی از نویسندگان نخستین کتب درسی تاریخ، در زمان خود نگاهی ایده آل به آموزش تاریخ در کشور داشت، درج این گفتار از ایشان می‌تواند زمینه مقایسه بین اندیشه بنیان‌گذاران آموزش تاریخ با اندیشه و عمل مؤلفان فعلی کتاب‌های درسی تاریخ را فراهم سازد. هرچند در همان دوره نیز با تلقی ناسیونالیسم باستان‌گرایی از تاریخ ایران، این درس مورد بهره‌برداری ایدئولوژیک نظام سیاسی قرار گرفت، که در عصر پهلوی دوم نیز این رویکرد با فراز و نشیب‌هایی تداوم یافت، متقابلاً بعد از انقلاب، به‌طور افراطی بر وجه مذهبی و تاریخ اسلامی ایران بها داده شد. به‌طوری که در طی بیش از یکصد سال از آموزش رسمی تاریخ در کشور، وضعیت این

درس اعم از برنامه درسی، کتاب‌های درسی، معلم تاریخ، آموزش تاریخ به‌طور دائم دچار چالش بوده است.

به منظور این آسیب‌شناسی کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ، متشکل از جمعی از معلمان تاریخ شهر تهران از سال ۱۳۹۵ اقدام به برگزاری سلسله همایش‌های «آموزش تاریخ در مدارس» نمود. که پنج همایش آن به شرح جدول ذیل در شهرهای: تهران - دو همایش -، اصفهان، کرمان و استان سیستان و بلوچستان برگزار گردید و امسال نیز دانشگاه رازی کرمانشاه میزبان ششمین همایش آموزش تاریخ در مدارس است. به منظور ارائه گزارشی آماری از این همایش‌ها، در جدول ذیل آمار مقالات و برخی اطلاعات مربوطه تقدیم می‌شود:

جدول سلسله همایش‌های آموزش تاریخ در مدارس

ردیف	عنوان همایش	مکان همایش	زمان همایش	تعداد چکیده دوربینی	تعداد مقاله مروانی	تعداد مقاله چاپ شده	تعداد مقاله معلمان	میزبان همایش
۱	آموزش و پژوهش تاریخ در ایران '(آسیب‌ها و راهکارها)'	تهران، آوشیو ملی ایران	۱۳۸۹-۹-۱۸ و ۱۷	۶۷	۵۰	-	۱۰	دکتر سیمین نصیحی
۲	دومین همایش آموزش تاریخ در مدارس (تهران)	تهران، آوشیو ملی ایران	۱۳۹۵-۲-۶	۹۰	۷۵	۲۵	۴۰	دکتر طویلی ناصحی پور رحیم روح بخش
۳	سومین همایش آموزش تاریخ در مدارس (اصفهان)	اصفهان، مرکز تحقیقات معلمان اصفهان	۱۳۹۶-۲-۷	۱۲۰	۹۵	۲۱	۵۰	دکتر محمدحسین افروزی، رضوان نعمت
۴	چهارمین همایش آموزش تاریخ در مدارس (کرمان)	کرمان، دانشگاه شهید باقر کرمان	۱۳۹۶-۱۱-۵	۱۴۰	۱۰۶	۴۹ (در دو جلد)	۸۶	دکتر جمشید روستا وحید روح بخش
۵	پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس (سیستان و بلوچستان)	زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان	۱۳۹۷-۱۰-۳۱	۱۲۵	۱۱۰	۴۴ (در دو جلد)	۶۳	دکتر سمیرا مرادی دکتر علی نادریان فر

۱. لازم به ذکر است که این همایش توسط انجمن ایرانی تاریخ در سال ۱۳۹۱ یعنی سه سال قبل از تشکیل کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ برگزار شد. از آنجا که سلسله همایش‌های «آموزش تاریخ در مدارس» از نظر موضوع و محتوا با این همایش هم‌پوشانی داشت، از آن همایش می‌توان به عنوان اولین همایش از سلسله همایش‌های آموزش تاریخ نام برد. با این توضیح که چکیده‌های آن منتشر شده؛ ولی تاکنون مجموعه مقالات برگزیده آن چاپ و انتشار نیافته است. خوشبختانه از همایش دوم به بعد مقالات منتخب آنها به زیور طبع آراسته شده است.

به نظر می‌رسد، امروزه بازکاوی فرایند و تحول نظام آموزشی نوین در کشور به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود. کما اینکه برخی از مسئله‌های مطروحه در آستانه طرح نظام نوین آموزشی و تأسیس مدارس جدید نیز، هنوز هم به قوه خود باقی است. از این روی بررسی کارشناسانه مواجهه جامعه آن روز ایران با مدارس نوین، می‌تواند پاسخی به برخی معضلات امروز نیز باشد. لذا در راستای همین دغدغه‌ها تصمیم گرفته شد، در سلسله همایش‌های «آموزش تاریخ در مدارس» محور تاریخ آموزش و پرورش نیز گنجانده شود، تا فرصتی فراهم گردد پژوهشگران حوزه تاریخ آموزش و پرورش به خصوص معلمان تاریخ، یافته‌های پژوهشی خود را در این خصوص ارائه دهند. بر این اساس فراخوان نگارش مقالات پنجمین همایش آموزش تاریخ در مدارس (سیستان و بلوچستان) حول دو محور عام و خاص (تاریخ محلی استان سیستان و بلوچستان) به شرح ذیل اطلاع رسانی گردید:

الف) محورهای عام

۱. محور تاریخ آموزش و پرورش کشور: در این محور موضوعاتی نظیر: نظام آموزش سنتی، نظام آموزشی نوین، بانیان نظام نوین و مدارس جدید، نقش نهادها و انجمن‌های فرهنگی و آموزشی، نظام آموزشی در عصر قاجار و دوره پهلوی، قوانین و مقررات و محتوای آموزشی کتاب‌های درسی تاریخ مورد توجه است. از آنجا که نقش و تأثیر نظام نوین آموزشی بنا بر دلایلی مورد غفلت تاریخ‌نگاری رسمی قرار گرفته و از سوی دیگر، این نوع تاریخ‌نگاری پیوند وثیقی با آموزش تاریخ دارد، این محور می‌تواند از زمره محورهای مهم سلسله همایش‌های آموزش تاریخ - به عنوان یک همایش مدنی - منظور گردد. بر این اساس با عنایت به اهمیت این محور، تعداد ۲۵ مقاله برگزیده آن در جلد اول مجموعه مقالات همایش انتخاب و در دستور کار چاپ و نشر قرار گرفت. مقالات منتخب این جلد تاریخ و تحولات نظام آموزشی نوین در عصر قاجار و پهلوی را دربر می‌گیرد. صرف‌نظر از نقش‌آفرینی برخی رجال معارف‌پرور نظیر امین‌الدوله،

رشدیده و ... در این بخش، جایگاه تاریخی تعدادی از مدارس تأثیرگذار نظیر مدرسه سپهسالار، دبیرستان البرز، مدرسه خیریه ایام، مدرسه مبارکه بختیاری، مدارس نوین خوزستان و ... در این جلد گرد آورده شده است. البته مقالاتی نیز در باره چالش آموزش دختران در مدارس (با چهار مقاله)، نقد نظام آموزشی مکتب‌خانه‌ای، نهضت مدرسه‌سازی عصر مشروطه، تحولات نظام آموزشی در سلسله پهلوی به علاوه مقاله‌ای راجع به فعالیت صنفی معلمان در دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و بالاخره یک مقاله منبع‌شناسی تاریخ آموزش و پرورش (نقش سالنامه‌های مدارس) زینت‌بخش مقالات جلد اول است که در مجموعه‌ای مستقل به زیور طبع آراسته گردید.

۲. محور روش آموزش و نقش معلم تاریخ: این محور با عنایت به گسترش شیوه‌های نوین آموزشی در عرصه آموزش، به‌خصوص تجارب موفق برخی از همکاران در تدریس تاریخ، در تمام فراخوان‌های سلسله همایش‌های «آموزش تاریخ در مدارس» منظور می‌شود. این محور در تنگنای چالش‌های: محتوای ایدئولوژیک محوری کتاب‌های درسی تاریخ به‌خصوص تاریخ معاصر، بی‌توجهی به تاریخ و هویت در سیاست‌گذاری نظام آموزش و پرورش، بی‌علاقگی دانش‌آموزان به تاریخ، حذف درس تاریخ در ضرایب کنکور، رواج روش سنتی (سخنرانی در کلاس) آموزش تاریخ و ... در صدد ارائه راهکارهایی به معلمان تاریخ جهت برون‌رفت از معضلات مذکور است. در این محور روش‌هایی نظیر به‌کارگیری روش آموزشی طرح مسئله و همچنین شیوه سؤال و استدلال مورد توجه قرار گرفته و همچنین بهره‌گیری از رسانه‌ها و رویکردهای جدید در آموزش تاریخ از جمله: وسایل کمک آموزشی، رسانه‌های آموزشی، فیلم، اردو و به‌خصوص رویکرد همگرایانه جمعی و به‌ویژه بهره‌گیری از ادبیات کودک و نوجوان در آموزش تاریخ مورد بازکاوی قرار گرفته، که مقالات آن در همین جلد آمده است.

۳. محور تحلیل محتوای کتب درسی تاریخ: چنانکه گذشت یکی از بحران‌های اصلی

آموزش تاریخ، سیطره نگاه ایدئولوژی رسمی بر کتاب‌های درسی تاریخ است. این معضل منجر به تعریف و سوگیری محتوایی کتاب‌های درسی تاریخ در خلال بیان وقایع تاریخی و تحلیل آنها شده است. ناگفته پیداست که این رویکرد، نقش کتاب‌های درسی تاریخ را به حد یک مانیفست ایدئولوژیک تنزل داده و جایگاه و رسالت آموزشی معلمان تاریخ را در میان کادر مدرسه و سایر همکاران و حتی خانواده‌های دانش‌آموزان با چالش مواجه می‌کند، به‌طوری که تدریس تاریخ توسط افراد غیرمتخصص به امری معمول در مدارس تبدیل شده است. بر این اساس در این محور مقالاتی نظیر: نقش زنان، جایگاه مطبوعات و بازتاب تاریخ ایران باستان در کتاب‌های درسی تاریخ و به‌طور موردی تاریخ‌نگاری کتاب‌های درسی عباس اقبال آشتیانی و بالاخره بازنمایی کارنامه مصدق در کتاب‌های درسی قبل و بعد از انقلاب مورد بازکاوی قرار گرفته است. مقالات این محور نیز در همین جلد گردآوری شده است.

۴. محور عرصه‌های نوین تاریخ: این محور با عنایت به عرصه‌های نوین تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری به‌خصوص حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای تاریخ شامل موضوعاتی نظیر: تاریخ محلی، تاریخ شفاهی، تاریخ اجتماعی، تاریخ خاندانی، تاریخ فرهنگی و ... بوده و البته پیوند و تعامل تاریخ با سایر رشته‌ها نظیر: جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی، ادبیات، جغرافیا، فلسفه و ... را در راستای علاقه‌مندی دانش‌آموزان به درس تاریخ و تسهیل یادگیری آن مورد توجه قرار می‌دهد. در برخی مقالات منتخب این محور از ضرورت بهره‌گیری از تاریخ شفاهی و تاریخ محلی در آموزش تاریخ سخن به میان آمده است. مقالات برگزیده این محور نیز در جلد دوم - همین جلد - به زیور طبع آراسته شده است.

(ب) محور خاص

این محور، به عنوان محور ویژه استان برگزار کننده همایش مورد توجه قرار گرفته است. این محور فرصتی برای پژوهشگران حوزه تاریخ و نظام آموزشی استان سیستان

و بلوچستان فراهم کرد، که یافته‌های علمی خویش را در سطح گسترده‌تری - از نظر موضوعی - ارائه دهند. کما اینکه بازخوانی و سندپژوهی هزاران برگ اسناد نظام نوین آموزشی استان، که در شعبه منطقه‌ای سازمان اسناد ملی در زاهدان جمع‌آوری و سازماندهی شده است، مورد نظر پژوهش‌های این محور بود. خوشبختانه این محور مورد توجه پژوهشگران عرصه تاریخ تعلیم و تربیت استان قرار گرفت و چنانکه مقالات جلد اول این مجموعه نشان می‌دهد در هفت مقاله منتخب مربوط به تاریخ فرهنگ و آموزش نوین در سیستان و بلوچستان، عرصه‌هایی نظیر: جایگاه تاریخ، فرهنگ و زبان محلی مورد بررسی قرار گرفته و به‌طور خاص نقش نظامیان در تأسیس مدارس نوین و همچنین دارالترتیب‌های عشایری استان مورد بازکاوی قرار گرفته است. کما اینکه جایگاه معلمان بومی نیز در تدوین تاریخ محلی بلوچستان، توجه یکی دیگر از پژوهشگران تاریخ محلی را جلب کرده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم تا از همکاری و مساعدت گران‌سنگ و بی‌شائبه رؤسا و مدیران محترم دانشگاه سیستان و بلوچستان، هیئت مدیره انجمن ایرانی تاریخ، اعضای کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ، اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی استان سیستان و بلوچستان، دانشگاه ولایت، دانشگاه زابل، دانشگاه پیام نور استان سیستان و بلوچستان، پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان، و زحمات بی‌دریغ دوستان ارجمند در کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ و همچنین کمیته‌های علمی و اجرایی قدردانی به‌عمل آوریم.

دبیر علمی همایش: دکتر مسعود مرادی

دبیر اجرایی همایش: دکتر علی نادریان‌فر

متن سخنرانی دکتر عبدالرسول خیراندیش، استاد دانشگاه شیواز در مراسم افتتاحیه همایش:

رویکرد تاریخی به شهر برای کتاب‌های درسی تاریخ

همچنان که اکنون من و شما چهره به چهره نشستیم، هر انسان اندیشمندی در سیمای فرهنگیان، که تربیت نسل آینده را برعهده دارند، می‌تواند فردا و حتی فرداهای جامعه خویش را ببیند. هر دانش آموخته‌ای در فردای جامعه، سی سال به درجاتی کار و اندیشه و تصمیم و تربیت را عهده‌دار خواهد شد. و اگر در نقش پدر، مادر یا معلم کسانی را هم که او تربیت خواهد کرد در نظر آوریم باید سی سال دیگر را نیز بر آن اضافه نمود. این بدین معناست که یک جامعه و نظام تعلیم و تربیت آن باید برای برنامه آموزشی خود، افقی شصت ساله یعنی دو نسل را در منظر خود داشته باشد. حتی اگر هم نداشته باشد در عمل آنچه که امروز می‌کارد تا دو نسل ثمر خواهد داد چه بخواهیم چه نخواهیم.

اما وقتی فرهنگی نشسته در مقابل، معلم تاریخ باشد در سیمای او نه فقط شصت سال آینده، که در پشت آن شش هزار سال گذشته تاریخ بشر را هم می‌شود دید. شش هزار سالی، که حاصل آن تمدن امروزی ما انسان‌ها است که جای در اندیشه‌هایمان دارد و شصت سالی که فردای ما ایرانیان خواهد بود جای در دست‌هایمان دارد. این امر تفاوتی بسیار میان معلم در درس تاریخ با دیگر درس‌ها ایجاد می‌کند. بر شانه معلم تاریخ باری از گذشته است، که از دانشی که بدان دارد می‌آید و پای بر خاکی دارد که اشک مادران، عرق پدران و یا خون جوانان بر آن ریخته است و میراثی از رنجی است، که نسل‌های بسیار در عصرهای پی‌درپی برده‌اند. این گذشته‌نگری خاص معلم تاریخ در حالی است، که باید مانند دیگر همکارانش در درس‌های دیگر، آینده‌نگر هم باشد.

این کاری دشوار است؛ زیرا معلم تاریخ باید گذشته را بنگرد؛ اما گذشته‌گرا نباشد و در همان حال آینده‌نگر هم باشد. پیش از این در نوشته‌ای یادآور شده‌ام، که مورخ برای آیندگان تاریخ می‌نویسد. تاریخ هرچند درباره گذشته است؛ اما برای آیندگان نوشته می‌شود.

تأکید بر ضرورت آگاهی از چنین صورت پیچیده‌ای میان گذشته و آینده در تاریخ‌نگاری، از این روست که بسیاری به دلیل کم‌اطلاعی از علم تاریخ براین باور هستند، که تاریخ مربوط به گذشته و درباره گذشته است. از این رو درباره فایده و کارکرد تاریخ نیز نگاه به گذشته دارند. این در حالی است که اگر چه محتوای تاریخ درباره گذشتگان است؛ اما آن را برای آیندگان می‌نویسند.

این اندازه باز کردن فضا برای آینده از آن روست که در برنامه‌ریزی درسی برای تاریخ باید آینده‌نگری حرف اول را بزند. این نکته چنانکه در بالا گفته شد نه تنها به‌خاطر تأثیر تعلیم و تربیت بر نسل‌هایی است که فردای جامعه متعلق به اوست، بلکه لازم است مبتنی بر نیازسنجی نیز باشد. دانش‌آموزان و دانشجویان برای زندگی در آینده چه نیازهایی دارند؟ این پرسشی است که دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی باید همواره درصدد پاسخ‌گویی بدان باشند. این پرسشی است که همیشه تکرار خواهد شد و همواره نیز لازم است پاسخی جدید متناسب با زمان بدان داده شود. با توجه به پیشرفت‌های علمی و تکنیکی و نیز ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی، همچنین رشد جمعیت و پاسخ‌گویی به نیازهای آن و ... لازم است برنامه‌ریزی در مورد کل تا جزء برنامه آموزشی و درسی صورت گیرد، که متولیان امر بدان می‌پردازند و اسناد آن را فراهم می‌کنند.

براساس آنچه گفته شد حسب وظیفه شغلی ما، که تدریس تاریخ است، چه محتوایی از این علم لازم است به دانش‌آموزان و دانشجویان ارائه شود؟ این نکته‌ای است که لازم است صاحب‌نظران و دارندگان علم و تجربه بدان پاسخ دهند. بدون شک

لازم است نظرات مختلف ارائه و شنیده شود و درباره آن بحث و بررسی و تبادل نظر صورت گیرد. در این چارچوب به عنوان یک پیشنهاد و نظر اینجانب بر این باور هستم که رویکرد approach کتاب درسی تاریخ بهتر است ناظر به «تاریخ شهرنشینی» باشد.

لازم به یادآوری می‌دانم که این نظر درباره کلیت و تمامیت علم تاریخ نیست، بلکه چون کتاب درسی در حجمی و ساعاتی معین با ارزشیابی‌های مقرر فراهم می‌آید و در همان حال رشد سنی و ذهنی فراگیران و به‌طور کلی نکات مختلف آموزشی را مدنظر قرار می‌دهد، بالطبع همه آنچه را که در یک علم مطرح است نمی‌تواند عرضه کند. اما آنچه که از یک علم لازم است به فراگیران عرضه شود و از چه روش‌ها و تکنیک‌هایی استفاده شود در برنامه‌ریزی درسی مشخص و در واقع برگزیده می‌شود.

بر همین اساس تاریخ شهر و شهرنشینی را نه به عنوان تمامیت و کلیت علم تاریخ و نه تمامیت و کلیت برنامه درسی تاریخ پیشنهاد می‌کنم، بلکه به عنوان یک «رویکرد» از آن سخن می‌گویم. این بدان معناست که بخش اعظم آنچه که چارچوب علم و درس تاریخ مانند تاریخ سیاسی و سلسله‌ای و امثال آنهاست همچنان وجود خواهد داشت؛ اما با نگاه به تاریخ شهر و شهرنشینی و با ملاحظه همه ابعاد و جوانب آن.

دلیل بر این پیشنهاد این است که زندگی و تمدن امروز، شهرنشینی است و همه آنچه که مربوط به فرنگ و تمدن کنونی است با شهر پیوند یافته است. اکنون بیشتر جمعیت جهان ساکن در شهرها هستند و تمایل به زندگی در شهر در حال افزایش است. شهرها نیز هر روز بیشتر بر جمعیت و وسعت آنها افزوده می‌شود. این همه، مزایا و مشکلات خاص خود را هم دارد و زندگی امروز با همین مزایا و مشکلات همراه شده است. چنین شرایطی در تاریخ گذشته بشر وجود نداشته و خاص این زمان است و تا جایی که افق آینده نشان می‌دهد مشکلات حال و آینده جوامع بشری بیشتر در ارتباط با شهر و شهرنشینی است که باید راه‌حل‌هایی برای آنها پیدا شود.

شهر، تاریخی چند هزارساله دارد؛ اما هیچ وقت تنها شکل اسکان برای زندگی

بشر نبوده است و اکثریت جمعیت جهان در آن قرار نمی‌گرفتند. اکنون در ایران حدود هشتاد درصد جمعیت، ساکن شهرها شده‌اند و این امر در تاریخ سابقه نداشته است. به همین نحو بخش بزرگی از اقتصاد کشورها و ثروت مردمان در شهر جای داده شده است. دسترسی به خدمات و امکانات و ارتباطات، که زندگی امروز متکی بدان است هم با شهر و شهرنشینی همراه شده است. حال اگر مشکلات محیط زیست، حمل و نقل، آلودگی هوا، تأمین مسکن، آموزش، بهداشت، دفع زباله، تأمین انرژی، دفع و تصفیه فاضلاب، حفظ امنیت، پر کردن اوقات فراغت، مدیریت شهر و... را هم در نظر بگیریم، می‌بینیم امروزه شهر پدیده‌ای است که همه ابعاد و جوانب زندگی ما را در خود گرفته است.

با چنین موقعیت و شرایطی که شهر در دنیای امروز یافته، لازم است شهروندان و به عبارتی دیگر شهروند شدن انسان‌ها، در برنامه آموزشی دیده شود. از جمله آنکه آموزش‌های لازم برای این سبک از زندگی داده شود. از جمله لوازم این امر آشنایی با تاریخ شهر و شهرنشینی است. مدیران شهرها و نیز شهرسازان هم لازم است در سطوحی بالاتر و تخصصی با تاریخ و تجارب شهرنشینی و سرگذشت شهرهای مرده و زنده آشنا شوند. این همه وقتی ممکن می‌شود، که رویکرد برنامه درسی تاریخ «شهر و شهرنشینی» باشد. در مورد دیگر درس‌ها هم متخصصان آنها نظر بدهند.

تا پیش از روزگار کنونی، که دنیای در حال گسترش صنعتی است شکل اصلی زندگی، اقتصاد و اسکان روستائینی بوده است. در ایران تا صد سال پیش، حدود هشتاد درصد جمعیت روستائین و کشاورز بودند، این چند کلمه خود گویای تحولی است که رخ داده است. در زندگی شهری، مبادله نقشی بسیار مهم دارد، در حالی که در روستا این نقش اندک دیده می‌شود. این نکته را از این جهت مورد اشاره قرار دادم، که رویکرد دو قرن اخیر در تاریخ‌نگاری را نشان دهم. در تاریخ‌نگاری چند قرن اخیر رویکرد تاریخ‌نگاری «مبادله» بوده است. چنین عباراتی در کتاب‌های تاریخی و

کتاب‌های درسی تاریخ را می‌شود دید:

آرامی‌ها و فینیقی‌ها مردمی تجارت پیشه

راه ابریشم از چین تا اروپا...

جاده ادویه از هند....

در افریقا مبادله نمک با طلا...

استعمارگران در جستجوی راه های تجاری...

در حالی که در کتاب‌های تاریخی سده‌های میانه چنین رویکردی دیده نمی‌شود و ممکن است تحولات مالکیت زمین بیشتر مورد توجه بوده باشد. می‌توان گفت خواست‌ها و نیازهای تمدن بورژوازی غرب در چنین رویکردی به تاریخ در چند قرن اخیر مؤثر بوده است. در هر حال در هر دوره از تاریخ، جنبه خاصی از تاریخ مورد توجه قرار می‌گیرد و اکنون که پدیده غالب تمدن، همانا شهرنشینی است لازم است رویکرد کتاب درسی تاریخ به سمت تاریخ و تحولات شهر برده شود. نیز لازم است توجه داشت که بسیاری از بحران‌های دنیای امروز یا به دلیل شهرنشینی است و یا آنکه بیش از هر جا و هر چیز شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رویکرد به تاریخ شهر در کتاب درسی، آگاهی عمومی جامعه را برای مواجهه با این بحران یا حل مشکلات، بالا خواهد برد و زمینه لازم را برای انجام پژوهش در این باره فراهم خواهد کرد. همچنان که بهره‌برداری و نگهداری بهتر و بیشتر از شهر توفیق حاصل خواهد شد.

تاریخ اسلام برای دانش‌آموزان؛ به روایت عباس اقبال آشتیانی

شهاب‌الدین سمنان^۱

چکیده

عباس اقبال آشتیانی (۱۲۷۵ - ۱۳۳۴ ش)، ادیب، مورخ، مصحح و از سرشناس‌ترین محققان صدساله اخیر ایران زمین است، که علاوه بر کارنامه‌ای سترگ و روشی نو در تاریخ‌نگاری، که عنوان «آغازگر تاریخ‌نگاری نوین علمی ایران» را برای او به ارمغان آورده، پیشگام تألیف کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیا در ایران نیز محسوب می‌شود. کتاب *تاریخ عمومی و ایران* که او در سال ۱۳۱۸ برای تدریس در سال چهارم دوره دبیرستان نگاشت، از چنان مقبولیتی برخوردار شد که تا سال‌ها الگویی برای تدوین کتب درسی رشته تاریخ در ایران به حساب می‌آمد.

ازین‌رو نویسنده در این مقاله، با انتخاب بخش تاریخ اسلام از این کتاب، کوشیده است اجمالاً مهم‌ترین ویژگی‌های بینشی و روشی این دانشمند فقید را در تدوین یک نمونه اولیه و در عین حال موفق از متن درسی برای مدارس ایران، معرفی و توضیح دهد تا ضمن آشنایی بیشتر با مفاخر فرهنگی کشورمان، الهام‌بخش نویسندگان کتاب‌های درسی در زمانه کنونی باشد.

واژگان کلیدی: عباس اقبال آشتیانی، کتاب‌های درسی، تاریخ اسلام.

مقدمه

تاریخ‌نویسی در ایران ریشه‌ای بس دراز دارد؛ اما پیشینه تاریخ‌نویسی درسی بدون شک به تأسیس نهادهای آموزشی نوین و ایجاد برنامه‌های آموزش رسمی باز می‌گردد. تا پیش از دوره جدید، مکتب‌خانه‌ها و سپس حوزه‌های علمیه نقش مدارس و دانشگاه‌ها را ایفا می‌کردند؛ اما فاقد برنامه آموزشی جامع و مدون به معنای امروزی بودند. شکل‌گیری دارالفنون (۱۲۳۰ ش) و حضور معلمان فرنگی، به‌رغم ناکامی در ایجاد یک نظام آموزشی مدون و سراسری، راه را برای تأسیس مدارس جدید دیگر هموار کرد و این به معنی نیاز بیشتر به تدوین کتاب‌های درسی از جمله کتاب تاریخ بود. در این تکاپو، تأسیس مدرسه سیاسی (۱۲۷۸ ش) و شکل‌گیری انجمن معارف کمک زیادی به حرکت و پیشرفت جریان تاریخ‌نویسی درسی کرد. حاصل این کوشش، چند مجلد کتاب تاریخ درسی بود که به صورت الگویی برای گام‌های بعدی درآمد و در اصطلاح پروگرام وزارت معارف از درون آن متولد شد. (نک: صفت‌گل، ۱۳۷۸: ۱۵۳-۱۹۶) نمونه‌ی اعلامی این پروگرام یا برنامه، آثاری بود که عباس اقبال آشتیانی برای تدریس در مدارس ایران به رشته تحریر درآورد.

اقبال در ۱۳۱۴ق، در خاندانی پیشه‌ور از مردم آشتیان زاده شد و پس از طی کردن تحصیلات ابتدایی در مکتب‌خانه، دوره متوسطه را در دارالفنون به پایان آورد و به سبب اشتیاقی که به کتاب و مطالعه داشت، به معاونت کتابخانه معارف که در همان مدرسه دارالفنون بنیاد گرفته بود، گمارده شد و ساعاتی نیز همان‌جا به تدریس زبان فارسی پرداخت. سپس مدتی در دارالمعلمین عالی، مدرسه سیاسی و مدرسه نظام، زبان فارسی و تاریخ و جغرافیا درس داد تا اینکه در ۱۳۰۴، به عنوان منشی هیأت نظامی ایران به پاریس اعزام شد و از نو به درس خواندن و دانش اندوختن پرداخت تا در نهایت از

دانشگاه سوربن، لیسانس ادبیات گرفت. اقبال که در ایران، به واسطه معاونت کتابخانه معارف با مشاهیر عصر از جمله ملک‌الشعراء بهار، رشید یاسمی، تیمورتاش، سعید نفیسی، محمدعلی فروغی، ابوالحسن فروغی، غلامحسین رهنما و عبدالعظیم قریب هم‌نشینی داشت، با رفتن به پاریس محضر میرزا محمدخان قزوینی را درک کرد و با او انس و الفت یافت. (Afshar, 1998: 518- 520) عشق و اشتیاق او به آموختن و اقبال بلندش در هم‌صحبتی با نوادر عصر، از او دانشمندی جامع‌الاطراف ساخت که پس از پنجاه‌ونه سال زندگی، گنجینه‌ای گران‌قدر از تحقیقات متنوع علمی از خود به یادگار گذاشت که به حق او را شایسته لقب بنیان‌گذار تاریخ‌نویسی علمی در ایران کرده است. (فصیحی، ۱۳۷۲: ۲۵۴)^۱ با وجود شناخته‌شده بودن عباس اقبال برای پژوهشگران تاریخ، اما یک بخش از شخصیت علمی او تقریباً مغفول مانده و آن پیشگامی و سابقه او در تألیف کتاب‌های درسی در ایران و به عبارت دیگر تاریخ‌نگاری درسی است. به نظر می‌رسد اقبال در ابتدا سبک کتاب‌های درسی پیشین، که توسط محمدحسین فروغی (ذکاءالملک اول) و محمدعلی فروغی (ذکاءالملک دوم) نوشته شده بود را مدنظر داشت و الگوی خود در تألیف قرار داد. (صفت‌گل، ۱۳۷۸: ۱۷۸) حاصل همکاری اقبال با وزارت معارف، یک دوره سه جلدی *تاریخ ایران* و یک دوره سه جلدی *تاریخ عمومی* و یک دوره سه جلدی *جغرافیای عالم* و یک جلد کتاب *جغرافیای اقتصادی* برای تدریس در مدارس و یک جلد کتاب *کلیات تاریخ تمدن* و یک جلد کتاب *کلیات علم جغرافیا* است، که بعضی از آنها بعدها نیز دوباره چاپ شده است. (افشار، ۱۳۸۴: ۳۰) مانند دوره سه جلدی *تاریخ ایران* که در قالب *تاریخ مفصل ایران* به چاپ رسید و هنوز هم خواندنی و قابل توجه است.

۱. برای اطلاع مفصل از احوال و آثار عباس اقبال آشتیانی، رجوع کنید به: هوشنگ اتحاد (۱۳۸۷)، *پرومشنگران معاصر ایران*، ج ۵، تهران: فرهنگ معاصر؛ حسن شایگان (۱۳۸۳)، *اقبال و تاریخ‌نگاری*، تهران: بنیاد موقوفات افشار.

بنابر اهمیت و ضرورت نقد جریان‌های تاریخ‌نگاری معاصر و به‌خصوص جریان تاریخ‌نگاری درسی در ایران، شایسته است تا نگاهی دوباره به اولین گام‌های جدی تألیف کتاب درسی تاریخ در ایران انداخت و این آثار را دوباره خواند. شناسایی و بازخوانی این آثار به معنی کوشش برای شناخت بخشی از تاریخ فرهنگی این کشور و آسیب‌شناسی امر آموزش در صد سال گذشته است. با توجه به این اهمیت و جایگاه بلند عباس اقبال آشتیانی در تاریخ‌نگاری نوین ایران، این مقاله مختصر نگاهی می‌اندازد به بخشی از کتاب *تاریخ عمومی و ایران* که او در ۱۳۱۸ «مطابق برنامه جدید وزارت فرهنگ» برای سال چهارم دبیرستان تألیف کرد. اقبال سبب تألیف این کتاب را اصرار کارکنان شرکت مطبوعات و اشاره دوست صمیمی خود، احمد بهمنش، دبیر تاریخ و جغرافیا در مدرسه دارالفنون، معرفی می‌کند و آن را در پیوند با دو اثر آموزشی قدیم‌تر خود یعنی *کلیات جغرافیای اقتصادی* (۱۳۱۵) و *تاریخ تمدن* (آماده طبع در آن زمان و چاپ شده در ۱۳۲۰) می‌داند. (اقبال، ۱۳۱۸: ۲-۳)

مجموعه متون درسی که اقبال پدید آورد، آن‌چنان مقبول افتاد که خود تبدیل به الگویی برای تدوین کتاب‌های درسی تاریخ در دهه‌های بعد شد. تقریباً می‌توان گفت هیچ‌کدام از همکاران اقبال در آن سال‌ها این اقبال را نیافتند که متون درسی‌شان تا صدسال بعد نیز در قالب کتابی مفصل و مستقل و با تیراژی انبوه بارها و بارها چاپ شود و علاوه بر استفاده عموم، هنوز برای اهل علم نیز خواندنی و قابل تأمل باشد. به راستی کدام مؤلفه‌ها این اقبال بلند را به عباس آشتیانی بخشید؟

ساختار کتاب

کتاب *تاریخ عمومی و ایران*، در حجمی نزدیک به ۶۰۰ صفحه گردآمده و شامل سه بخش تاریخ اسلام (۱۰۵ صفحه)، تاریخ ایران بعد از اسلام (۳۰۴ صفحه) و تاریخ مغرب زمین (۱۷۵ صفحه) می‌باشد. همانطور که مشخص است بیشترین صفحات به تاریخ ایران بعد از اسلام تعلق دارد. در حقیقت این کتاب یک دوره سه‌جلدی برای

سال چهارم دبیرستان است که در یک مجلد گرد آمده است.

ساختار محتوایی این سه‌بخش بدین گونه است:

* بخش نخست در تاریخ اسلام، شامل مباحثی درباره: عربستان و قوم عرب، سیرت حضرت رسول، خلفای راشدین، خلفای اموی و خلافت بنی‌العباس.

** بخش دوم در تاریخ ایران بعد از اسلام، شامل مباحثی درباره: طاهریان و علویان طبرستان، دیالمه آل‌زیار، دیالمه آل‌بویه، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلاطین غور، سلاطین سلجوقی، اتابکان و خوارزمشاهیان.

*** بخش سوم در تاریخ مغرب‌زمین، شامل مباحثی درباره: رنسانس و شروع نهضت جدید در اروپا، تاریخ کشورهای بزرگ اروپا در ابتدای قرون جدید، تاریخ فرانسه و انگلیس در قرن ۱۷ و ۱۸، کشمکش‌های مستعمراتی هلند و انگلیس و فرانسه، دوره تنزل عثمانی و لهستان و ترقی سوئد و پروس و روسیه، دوره استیلای مستبدین روشن‌فکر بر اروپای شرقی، انقلابات آمریکا و استقلال دول متحده، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون، علوم و ادبیات و صنایع در قرون جدید.

با توجه به حجم گسترده و تنوع مطالب کتاب تاریخ عمومی، این مقاله فقط به بخش نخست پرداخته و ویژگی‌های بینشی و روشی عباس اقبال آشتیانی را در تألیف یک متن درسی تاریخ اسلام، بررسی می‌کند.

ویژگی‌های بینشی:

الف) پیوند تاریخ با جغرافیا

ارتباط تاریخ و جغرافیا از دیرباز مورد توجه تاریخ‌دانان و جغرافی‌دانان و محل بحث و گفتگوی اندیشمندانی، که در آثارشان راهی میانه این دو رشته‌اند، بوده است. (نک: ساماران، ۱۳۸۸، ج ۱-۲: ۱۱۱-۱۱۵) عباس اقبال آشتیانی از مهم‌ترین مورخان معاصر ایران است، که جغرافیا در آثارش موقعیتی مهم و ممتاز دارد. او به این اصل

باور داشت که آشنایی مردم به جغرافیای کشورشان موجب علاقه و دلبستگی آنها به سرزمین خود می‌شود و عدم اطلاع در این باره، نتیجه‌ای مگر بی‌علاقگی به بار نخواهد آورد. (اقبال، ۱۳۷۹: ۱-۱۴؛ ۱۳۶۴: ۱-۴؛ ۱۳۲۴: ۴) در نگارش کتاب تاریخ عمومی و ایران (۱۳۱۸) نیز اقبال بیش از هر چیز به این مهم توجه داشت، چنانچه به‌صراحت در مقدمه کتاب می‌نویسد: «... اینجانب بیش از هر چیز سعی کرده است که تاریخ و جغرافیا را که از بسیاری از جهات مکمل یکدیگر و به هم بستگی کلی دارند، به ترتیبی تدوین نماید که خواننده حتی‌المقدور به روش علمی یعنی یافتن علل واقعی مسائل موضوع جغرافیا و تاریخ واقف شود و به انباشتن مغز از اعلام و ارقام و به حافظه سپردن قضایا و حوادثی که ارتباطی به یکدیگر ندارند مجبور نگردد. به‌خصوص دقت شده است که در تحصیل تاریخ و جغرافیا مقام واقعی انسان، که حوادث تاریخی و مسائل جغرافیایی بی‌وجود او اساساً مورد اعتنا و مطالعه اهل فن نیست، کاملاً در این دو رشته دانش مشخص باشد تا خواننده بفهمد که از تاریخ، آن قسمت قابل تمتع و عبرت است که از احوال و افعال مردم کارآگاه، هنرمند و باذوق و از تأثیری که از ایشان در تهیه ترقی و سعادت نوع ناشی شده گفتگو کند و از جغرافیا، آن قسمت شایسته آموختن و فراگرفتن است که در آن بحث از تدابیر انسان در تدارک غذا و لباس و منزل و کیفیت تمتع از زندگانی برای خود و کسانش به میان می‌آید، همچنین طرز متناسب شدن انسان با محیط طبیعی و سازگار کردن اوضاع نامساعد زمین و آب و هوا برای آنکه انسان بتواند باقی بماند و تا حد امکان خوش و فارغ زیست کند از اهم مسائل جغرافیای علمی است...» (اقبال، ۱۳۱۸: ۲-۳)

اقبال این دلبستگی را تا پایان کتاب، سرلوحه خویش داشته و هیچ حادثه‌ای را بدون توجه به عنصر مکان توضیح نداده است. در بعضی صفحات نیز به وضوح می‌توان اهمیت جغرافیا در تاریخ را به چشم دید: آنجا که پیش از شروع تاریخ به تعریف جزیره العرب، توصیف شرایط آب و هوایی، توپوگرافی و آبادی‌ها و راه‌های

عربستان می‌پردازد، (اقبال، ۱۳۱۸: ۴-۷) به وضوح تقدم جغرافیا بر تاریخ را به دانش‌آموز گوشزد می‌کند. البته همانطور که گفته شد نزد نویسندگان کهن نیز عموماً تاریخ و جغرافیا درهم‌تنیده بودند؛ اما اقبال نگاهی عمیق‌تر به موضوع دارد و همان‌گونه که خود در مقدمه اظهار داشته، انسان را در بطن تاریخ و جغرافیا می‌نگرد. این نگاه تیزبین، آنجا خودش را عیان می‌سازد که اقبال از توصیف جغرافیا و شرایط اقلیمی تلاش می‌کند به نوعی از جامعه‌شناسی تاریخی برسد و خلُق و خوی فرهنگی - اجتماعی مردم عرب را در محیط زندگی آنان ریشه‌یابی و تفسیر کند، خصوصاً مسئله آب: «کم بودن آب و مواد معیشت و منحصر شدن ثروت و دارایی به چندین رأس حیوان (مرکوب یا باربر یا شیرده) یا چند عدد نخل و یا استفاده از مختصر آبی که در نقطه‌ای جمع آمده و یا از محلی می‌تراود، برای اقوام و قبایلی که همه به این مایه‌های حیاتی احتیاج دارند، پیوسته ایشان را بر سر دفاع هستی و یا دستبرد به دارایی دیگران در جنگ و جدال می‌اندازد و هنر جنگجویی و سلحشوری و تیراندازی و سواری و تعرض و گریز و کلیه آداب حرب و فروسیت جزء صفات ذاتی بدوی می‌شود و چون بدوی به علت نداشتن مال و منال زیاد و پای‌بست نبودن به محلی ثابت طبعاً به دنیا و تعینات آن بی‌علاقه و وارسته بار می‌آید، وجودی است سرکش و آزادمنش و به اصطلاح خود عرب دارای نفسی آبی و به آسانی زیربار تحکم این و آن نمی‌رود و قبول ظلم و زور را از دیگران بر خود عار می‌شمارد یعنی هموار کردن این‌گونه مسایل را منافی حس شهامت و غیرت خود می‌داند و در مقابل دفاع از این فضایل تا جان دارد می‌کوشد و کشته شدن در این راه را بر خویشتن آسان می‌گیرد تا نام او مطعون نگردد و لکه ننگی از این رهگذر بر دامن اخلاف او ننشیند. نتیجه این کیفیت آن شده است که قبایل یا خانواده‌های عرب اکثر اوقات بر سر امور جزئی یا مسایلی واهی سال‌ها بلکه در پاره‌ای موارد نسل‌بعد نسل با یکدیگر می‌جنگیده و هیچکدام راضی به قبول ننگ شکست و پذیرفتن حال غلبه و حکم خصم خود نمی‌شدند...» (اقبال، ۱۳۱۸: ۸-)

۹) در جای دیگری می‌گوید: «...اگرچه پیغمبر اسلام با شمشیر و موعظه حسنه و وعد و وعید قلوب جمیع قبایل عرب را تابع یک ایمان کرده و همه از این نظر سالک مسلکی واحد شده‌اند؛ اما همین‌که آن شور و جوش اولی رو به آرامش گذاشته و مصالح دنیایی ایمان قلبی را مغلوب کرده، عربستان به همان حال اول برگشته و بدویت که تنها معیشت مقتضی این قبیل اقلیم است به قوت سابق عود کرده و همان حال تعصب جاهلیت و تفرق و تشتت احیا شده است و امروز نیز عربستان با وجود سلطنت‌های اسمی و نظارت دول مقتدر خارجی و وسایل تمدن جدید از این لحاظ چندان با قرون قبل از اسلام فرق نکرده است.» (اقبال، ۱۳۱۸: ۲۴)

ب) نگاه ایرانی

در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ ش) یعنی دوره‌ای که عباس اقبال آشتیانی فعالیت چشمگیری در زمینه مطالعات تاریخی و ادبی داشت، تلاش همه‌جانبه‌ای برای رواج و تعمیق آموزه‌های ناسیونالیسم ایرانی صورت می‌گرفت. در این میان روشنفکران و اندیشمندان ایرانی صاحب طیف گسترده‌ای از آرا بودند که گاهی برخی از آنها را مقابل هم قرار می‌داد؛ اما اقبال در میانه ایستاده بود و هیچ‌گاه دیدگاه تاریخی خود را آلوده به نظرات افراطی نکرد. (کریمی‌پور، ۱۳۸۲: ۷) مهم‌ترین نمود این اعتدال و پختگی در موضع‌گیری را می‌توان در مخالفت با فرهنگستان و افراد تندرو مانند کسروی جستجو کرد. اقبال در این زمینه پیرو مکتب قزوینی بود و سابقه کاربرد لغات را در متون فصیح گذشته، مهم‌ترین ملاک فصاحت آنها می‌شناخت و با آنکه خود عضو پیوسته فرهنگستان بود، به مانند تقی‌زاده و قزوینی کاربرد الفاظ فرهنگستانی را مغایر با فصاحت زبان می‌دانست و چندین مقاله در نقد فرهنگستان نوشت. (ریاحی، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۴)

اقبال یک ایرانی میهن‌دوست بود. توجه به ایران و هویت ملی ایرانی در سراسر آثار او موج می‌زند. اصلاً مشارکت او در طرح تهیه یک دوره جامع تاریخ ایران و تهیه کتب درسی جدید برای دانش‌آموزان، خود نشان از میهن‌دوستی او است و گویی در

این طرح، رسالت خود را در انگیزختن علاقه‌نسل جدید به تاریخ و فرهنگ برای ساختن آینده ایران می‌دانست. از این‌رو، بخش تاریخ اسلام از تاریخ عمومی نیز به گونه‌ای برای دانش‌آموز ایرانی نوشته شده است تا مخاطب بتواند در لابلای حوادث، ردپای گذشتگان خویش را نیز بیابد و به عبارت دیگر پرداختن به چندین سده تاریخ اسلام، رشته تاریخ ایران را در ذهن دانش‌آموز از هم نگسلد. این مسئله حتی از منظر آموزشی می‌تواند یک تکنیک برای تقویت ذهن دانش‌آموز برای تطبیق حوادث و سنوات باشد. از همین منظر-است که اقبال به ارتباط تاریخی ایرانیان (اقبال، ۱۳۱۸: ۱۲) و عرب‌ها پیش از اسلام و حضور ایرانیان در عربستان (همان: ۱۶-۱۹) و مقارنت بعثت با بیستمین سال سلطنت خسرو پرویز اشاره می‌کند. (همان: ۲۹) همچنین در موضوع دعوت مکتوب پیامبر از پادشاهان بزرگ عالم، به خسرو ایران بسنده می‌کند. (همان: ۳۹)

نگاه ویژه عباس اقبال به ایران در میان تاریخ اسلام، با ورود به مسئله فتوحات، جدی و پُررنگ می‌شود به گونه‌ای که حتی با توجه به تعداد صفحات اختصاص یافته به این بخش از تاریخ، به اهمیت این موضوع در نگاه اقبال پی می‌بریم. اقبال اخبار فتوح ایران را از اولین برخوردها تا سقوط کامل شاهنشاهی ساسانیان، تقریباً کامل و براساس اخبار معروف، بازگو می‌کند. (همان: ۴۷-۵۶) این در حالی است که در مورد فتوح آفریقا و سرحدات روم، تلگرافی عمل کرده است. (همان: ۵۶-۵۹) اقبال، برخی خشونت‌ها و سبیت‌های اعراب فاتح ایران را به واسطه مسلمان بودن مسکوت نگذاشته و چند جا از آن یاد می‌کند:

«... خالد تا ربیع‌الاول سال ۱۳ هجری در عراق بود و در این مدت او و سپاهیانش به مردم بلاد سرحدی ایران از کشتن و غارت اموال و به اسیر بردن زن و مرد صدمات بسیار زدند و در پاره‌ای موارد بدون هیچ اغراقی از کشتار مردم بی‌گناه به این اسم که قبول اسلام نکرده‌اند، جوی خون راندند...» (همان: ۴۸)

«... یارانِ غارتگرِ جریر و مثنی پس از عبور از فرات دست به یغمای بلاد و کشتار مردم گذاشتند و طولی نکشید که تمام ساحل یسار فرات تا حدود مداین پای تخت ایران، در زیر سمّ ستور این جماعت بیابانی پایمال گردید.» (همان: ۵۰)

«... سعد و لشکریان او به تدریج آبادی‌های حومه مداین را گرفتند و چون دیگر در پای تخت ساسانی کسی که در صدد دفاع آنجا باشد نمانده بود، آن شهر بی‌مانند که قرن‌ها بر قسمت اعظمی از عالم حکومت می‌کرد و مرکز ثروت و خزینۀ نفایس بود در صفر سال ۱۶ به دست عرب افتاد و غارتگرانی که به این شوق فرسنگ‌ها راه آمده و سختی‌ها را برخود هموار کرده بودند، بهشت موعود را در این دنیا یافتند و در بردن مال و معاملات زشت نسبت به مغلوبین از حدود انصاف و اعتدال به کلی خارج شدند.» (همان: ۵۳)

اما از بازگویی محاسن اعراب فاتح نیز ابایی ندارد و حسن میهن‌دوستی درو منجر به قلب حقیقت نشده است: «... هوای صاف و آسمان درخشان پرستاره عربستان و استعداد ذاتی قوم عرب که از شعبۀ مستعد نژاد سامی هستند و مجال فراوان ایشان برای بیکاری به علت سهولت زندگانی و کوچکی دایرۀ حوایج معیشتی و سیر دایم بین دو محیط گشاده پهناور یعنی بادیۀ هموار عربستان و آسمان آبی شفاف آن، قوم عرب را مردمی با ذوق و شاعر طبع و ساده‌گو و فصیح‌اللسان بار آورده و چون در منازعات و مناقشات بین خانواده‌ها و قبایل آنجا که از شمشیر و سنان کاری بر نمی‌آمده و یا آنکه این سلاح‌ها در کار تعطیل بوده، میدان به مردم صاحب بلاغت و گویندگان تیز زبان واگذار می‌شده و زبان خطیب و شاعر در بیان مثالب خصم و مناقب قبیلۀ خودی و ردّ ادله مناقضین و اقامۀ براهین خطابی بر اثبات فضایل طایفه‌ای که بدان منتسب بوده کار شمشیر دلاوران و نیزه جنگیان را انجام می‌داده است.» (همان: ۹-۱۰)

و یا درباره خلیفه دوم، چنین می‌نویسد: «...[عمر] از آن جهت که هم خود مردی بسیار عاقل و دوراندیش بود و هم سردارانی رشید و کارآزموده و مجاهدینی باایمان و

پرحرارت تحت حکم داشت به‌زودی از یک‌طرف بساط دولت عظیم‌الشأن ساسانی را یک‌سره برچید و سراسر ایران را فتح کرد و از طرفی دیگر دست تسلط رومیان را که چندین قرن بود بر قسمت مهم آسیای غربی و شمال آفریقا فرمانروایی داشتند از این نواحی کوتاه ساخت و بالنتیجه بهترین و آبادترین اقطار متمدن آن عصر را تحت فرمان اسلام درآورد.» (همان: ۴۶-۴۷)

اقبال با اشاره به ضعف ساختاری حکومت ساسانی مقارن حمله اعراب (همان: ۴۷) و برشمردن اسباب شکست ایرانیان از سپاه تازه نفس مسلمان (همان: ۵۳)، می‌کوشد تا همه اسباب و زمینه‌های این سقوط بزرگ را به شکلی منطقی بیان کند و وضعیت دو طرف نزاع را در کنار هم به تصویر بکشد. در کل اگر مقایسه‌ای میان همه اندیشمندانی که در باب ورود اسلام به ایران نوشته‌اند، صورت گیرد، نگاه اقبال و آرا او هنوز هم جزو هوشمندانه‌ترین نظرات است. اقبال ورود اسلام به ایران را سرآغاز یک مرحله جدید و بخشی از فرآیند تکامل فرهنگ ایرانی می‌داند. او جای دیگری نوشت: «اعراب مهم‌تر از جنبه‌های مادی زندگی، امنیت و عدالت و شریعت عالی‌تری که پیام‌آور ترقی و اصلاح بود با خود آوردند و جامعه ایران را از اینکه به وسیله هیاطله و اتراک و رومی‌ها از بین رود نجات دادند.» (دبیرسیاقی، ۱۳۶۸: ۱۱۳)

ج) توجه به دانش‌های کمکی و نگاه حرفه‌ای

عباس اقبال از اولین مورخان همه‌فن حریف ایرانی بود، که علاوه بر احاطه بی‌نظیر بر تاریخ ایران و اسلام، در جغرافیا، ادب فارسی و عربی، شناخت و چاپ تواریخ محلی، معرفی و پژوهش روی اسناد تاریخی، نسب‌شناسی و رجال، فرقه‌نگاری و علم‌الادیان و ترجمه تحقیقات جدید فرنگیان، دستی توانا داشت. بخشی از علاقمندی‌های او در کتاب تاریخ عمومی و ایران مشهود است.

توجه او به علم رجال و انساب که او را به ترجمه طبقات سلاطین اسلام از

لین پول^۱ و تصحیح کتاب‌های تمه‌الیتیمه ثعالبی^۲ و معالم‌العلمای ابن شهر آشوب^۳، طبقات‌الشعراء ابن معنز^۴ و تجارب‌السلف هندوشاه نخجوانی^۵ کشاند، در این متن درسی نیز به چشم می‌خورد. تمایل اقبال برای معرفی معروف‌ترین قبایل عرب علاوه بر تقسیمات کلی این قوم، آن‌هم در یک متن درسی محدود، نشان از توجه ویژه او به این شاخه از تحقیقات تاریخی است. (اقبال، ۱۳۱۸: ۱۲-۱۸)

علاقمندی دیگر اقبال به حوزه ملل و نحل و تاریخ ادیان و فرق است، که او تصحیح دو کتاب بیان‌الادیان^۶ و تبصره‌العوام^۷ و نگارش کتاب خاندان‌نویختی^۸ را درین حوزه در کارنامه خویش دارد. تاریخ عمومی و ایران، نگاه حرفه‌ای اقبال را در حوزه فرق به نمایش می‌گذارد. او که در بازگویی تاریخ صدر اسلام از هیچ یک از اخبار مورد توجه شیعیان (فضایل علی بن ابیطالب) اعم از پیشگام بودن در پذیرش اسلام، مهمانی عشیره اقربین، عقد اخوت با پیامبر، مجاهدت در جنگ بدر، کشتن عمر بن-عبدود، کشتن مرحب خیبری، خوابیدن در جایگاه پیغمبر، حدیث منزلت، غدیر خم و حضور در کفن و دفن پیامبر، فروگذار نکرده؛ اما هیچ‌گاه برای دفاع از عقیده مذهبی خاصی موضع نمی‌گیرد. پیش از این به قضاوت او درباره شخصیت خلیفه دوم اشاره

۱. استانی لین پول، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، تهران: مطبعة مهر، ۱۳۱۱.

۲. ابومنصور ثعالبی، تمه‌الیتیمه، تصحیح عباس اقبال، تهران: بی‌نا، ۱۳۱۳.

۳. ابن شهر آشوب، معالم‌العلماء، تصحیح عباس اقبال، تهران: بی‌نا، ۱۳۱۳.

۴. ابن معنز، عبدالله بن محمد، طبقات‌الشعراء فی مدح الخلفاء و الوزراء، اعتنی بنشره عباس اقبال، لندن: اوقاف گیب، ۱۳۱۷ش.

۵. هندوشاه نخجوانی، تجارب‌السلف: در تواریخ خلفا و وزرای ایشان، تصحیح عباس اقبال، تهران: مطبعة فرزین، ۱۳۱۳.

۶. ابوالمعالی محمدالحسینی العلوی، بیان‌الادیان، تصحیح عباس اقبال، تهران: مطبعة مجلس، ۱۳۱۲.

۷. سیدمرتضی ابن داعی حسنی رازی، تبصره‌العوام فی معرفة مقالات الانام، تصحیح عباس اقبال، تهران: مطبعة مجلس، ۱۳۱۳.

۸. عباس اقبال آشتیانی، خاندان‌نویختی، تهران: مطبعة مجلس، ۱۳۱۱.

شد. در جای دیگری می‌نویسد: «حضرت امر کرد که ابوبکر تمام دارایی و عثمان قسمت اعظم [دارایی] خود را در راه تهیه سپاه و نفقه مجاهدین ببخشایند. ایشان هم چنین کردند...» (اقبال، ۱۳۱۸: ۴۱) به‌رقم، محدود بودن اقبال در این متن درسی؛ اما او به شکل‌گیری کهن‌ترین فرقه‌ها و مواضع اساسی‌شان، هرچند مختصر، اشاره کرده و درباره آنان قلم زده (برای نمونه بنگرید به: همان: ۶۷، ۷۶) که نگاه حرفه‌ای او از لابلای همه این سطور آشکار است. اهمیت این نگاه، زمانی مشخص می‌شود که با بسیاری از متون درسی دوره‌های بعد مقایسه شود؛ متونی که یا در راستای اثبات عقیده‌ای پا را از محدوده تاریخ به قلمرو علم کلام گذاشته‌اند و یا نسبت به بخشی از تاریخ که نام مذاهب دیگر را به همراه داشته سکوت کرده و به این ترتیب بخشی از تاریخ را در یک متن درسی که می‌بایست بنیاد جهان‌بینی یک نوجوان را طرح‌ریزی کند، مغفول گذاشته‌اند.

علاوه بر همه آنچه گفته شد، اقبال در این کتاب یادآوری می‌کند که آداب و ادیان هر مردمی ارتباط مستقیم با شرایط اقلیمی و فرهنگ تاریخی آنها دارد. این نشانگر آشنایی او با افق‌های جدید دین‌شناسی در زمانه خود است. او درباره باورهای عرب پیش از اسلام می‌نویسد: «پیش از آنکه دعوت اسلام در عربستان آغاز شود و در نتیجه مساعی حضرت رسول و مجاهدین اولیه تمام قبایل عرب تحت یک لواء درآیند و تابع یک حکم و پیرو یک‌رشته آیین و آداب متحد شوند، افراد هر قبیله اخلاق و آداب و دین مخصوصی داشتند و هریک محکوم امر و پیرو فرمان و مقتضای رأی رئیس خود بودند. با تفصیلی که از وضع جغرافیایی عربستان به دست دادیم اجمالاً واضح شد که این سرزمین وسیع غیر از دو نقطه هیچ مرکز مساعدی ندارد که یا به علت حاصلخیزی و یا ثروت معدنی یا علتی دیگر مردم را به خود جلب نماید و بالتیجه در آن بلاد آباد بزرگ و اجتماعات مفصل به‌وجود آید، بلکه بر خلاف وسعت بی‌پایان شبه‌جزیره و سختی آب و هوا و ندرت آب و مواد معیشت علاوه بر آنکه طبعاً از عدد جمعیت

می‌کاهد آنها را هم که تصادف تاریخ به چنین سرزمین نامساعدی انداخته باشد، پیوسته به حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر مجبور می‌سازد و مابین قبایل مختلفه بیابان‌ها و اراضی لم‌یزرع غیرقابل عبور چنان فاصله می‌شود که گویی هرکدام از ایشان در جزیره‌ای از جزایر بعیده اوقیانوس بی‌کران ساکنند و از حال یکدیگر بی‌خبر. این کیفیت هیچ‌وقت نمی‌گذاشته است که جمیع ساکنین عربستان با وجود کمی‌عده، همه گرد یکدیگر جمع آیند و به اصطلاح امروز تشکیل ملتی واحد دهند... که منافع مادی و معنوی مشترک داشته باشند و یک رشته آداب قومی واحد که آن نیز نتیجه سال‌ها زیستن با یکدیگر است...» (اقبال، ۱۳۱۸: ۲۳)

(د) عقل‌گرایی

از دیگر ویژگی‌های بینشی عباس اقبال که در کتاب تاریخ عمومی و ایران به وضوح خودنمایی می‌کند، عقل‌گرایی است که خود نشانه آشنایی اقبال با اصول تاریخ‌نگاری جدید و تحولات فلسفی این حوزه است. گواه این سخن، جای خالی معجزات و کرامات در روایت او از تاریخ اسلام است که در حالت عادی می‌تواند بستر مستعدی برای ساخت و پرداخت این‌گونه روایات باشد. از این منظر، اقبال داستان‌های اساطیری عرب بانه را که تا آن زمان جز بخشی از اقوال پراکنده موجود، هیچ شاهد تاریخی جدی برای آن نبود، سراسر قصه و فسانه خوانده (همان: ۱۳) و از آن میان اصالت تاریخی عمالقه را به سبب آمدن نام این قوم در تورات، تأیید می‌کند. (همان: ۱۴)

محل دیگری که اقبال رویکرد عقلانی خود را نشان می‌دهد، به هنگام سخن از عام‌الفیل و لشکرکشی ابرهه است. اقبال به صراحت بیان می‌دارد: «در موقع حمله ابرهه به مکه در میان لشکریان او مرض آبله بروز کرد و به روایت مسلمین بر اثر هجوم طیر آبایل و افگندن سنگ بر ایشان و فرود آمدن سیلی بر روی مهاجمین به نکبتی سخت دچار و اکثر طعمه هلاک و تلف شدند و ابرهه با قلیلی از اتباع خود به صنعای یمن گریخت و در آنجا مُرد.» (همان: ۱۷)